

عنوان مقاله:

تحلیل نشانه شناختی شخصیت ها در حکایت ملک عمر نعمان

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و ادبیات عربی، دوره 10، شماره 18 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسنده:

علی اکبر مرادیان قبادی - دانشگاه لرستان

خلاصه مقاله:

شخصیت عنصر اصلی داستان است و به مثابه ستون فقرات آن به شمار می‌رود؛ پس داستان پرداز باید تمام تلاش خود را برای آفرینش شخصیت‌هایی مبذول کند که دارنده نشانه‌ای ای‌باشند که با حوادث، مفاهیم و اهداف قصه متناسب و با عناصر دیگر هم‌خوانی داشته باشند. به نظر می‌رسد که اسامی شخصیت‌ها از مهم‌ترین این نشانه‌ها است و به منزله رموز یا علاماتی هستند که خواننده را به برخی از مفاهیم داستان رهنمون می‌شوند، و چون عنصر شخصیت در داستان‌های هزار و یک شب هم از نظر شکل و هم از نظر دلالتی اهمیت فراوان دارند، بر آن شدیم که در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نشانه‌شناسی شخصیت‌ها در یکی از حکایت‌های آن به عنوان "ملک عمر نعمان و فرزندانش شرکان و ضوالمکان" بپردازیم و وجوه تسمیه شخصیت‌های این حکایت و ارتباط آنها را با روند حوادث و وقایع داستان کشف نماییم. سرانجام به نتایج مهمی پی بردیم؛ از جمله این که اسامی شخصیت‌ها در این حکایت نقش مهمی در ساختار و مفاهیم و پیام‌های قصه دارند.

کلمات کلیدی:

هزار و یک شب، داستان ملک نعمان و فرزندانش، معناشناسی و نشانه‌شناسی، دلالت شخصیت‌ها

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1135575>

